

خشم کیهان از جمله پزشکيان درباره گرسنگي مردم

جعفرزاده:پزشکيان بامردم صادق است

امیری فر:آقای شریعتمداری از سفره مردم بی خبرند!

ماراتن حملات کیهان به دولت پزشکيان ادامه داشته و دارد اما در یکی از یادداشت‌های اخیر این روزنامه تحلیل محتوای عجیبی از صحبت‌های اخیر رئیس جمهور شد و به دنبال آن قیاسی مع الفارق بین ایرانیان و شهروندان افغانستان، خبرآنلاین نوشت: بعد از این که مسعود پزشکيان رئیس جمهور در سخنانی گفت که «روی طلا خوابیده‌ام ولی گرسنه‌ایم»، کیهان دوباره تویخانه علیه پزشکيان را آتش کرد. کیهان نوشته است که «وقتی عالی‌ترین مقام اجرائی بر فقر و ناتوانی تأکید می‌کند، چارچوبی ذهنی می‌سازد که مردم خود را در آینه ضعف می‌بینند». علاوه بر این کیهان ایران را با کشورهایی مقایسه کرد که جمعیت آنها بسیار کم‌تر از ایران هستند، جنگ‌های متعددی را پشت سر گذاشتند و مانند ایران از لحاظ نفت و گاز غنی نیستند. مرور شاخص‌های معتبر جهانی که توسط نهاد‌های مستقل بین‌المللی منتشر می‌شود، گواهی می‌دهند که ایران در ردیف کشورهای دارای سطح «پایین گرسنگی» قرار دارد؛ با امتیازی کمتر از ۸ و فاصله‌ای قابل توجه از کشورهای منطقه که با بحران تغذیه جدی مواجهند. در حالی که افغانستان، پاکستان و حتی مصر در طبقه «جدی» یا «متوسط» این شاخص جای گرفته‌اند، ایران به‌عنوان کشوری با زیرساخت‌های قابل اتکا، نیروی انسانی متخصص و ظرفیت‌های گسترده تولیدی، از نظر شاخص‌های تغذیه‌ای و سلامت عمومی در وضعیت مطلوب‌تری قرار دارد». واکنش کیهان به جمله رئیس جمهور نشان می‌دهد که نگاه این روزنامه بر حفظ قدرت و آرامش ظاهری جامعه متمرکز و حل مشکلات واقعی مردم کم‌رنگ است. جمله ساده «روی طلا خوابیده‌ام ولی گرسنه‌ایم» می‌تواند بسیاری از مشکلات ساختاری و اقتصادی کشور را روشن کند. این نوع بیان، دعوتی است به اصلاح، نه تحقیر یا تضعیف کشور. از این منظر، این نوشته بیشتر به مردم توهین می‌کند؛ زیرا مردم خود در تمام این سختی‌ها حضور دارند اعم از شرایط اقتصادی، جنگ، تورم، تحریم‌های گسترده به همین دلیل نیازی نیست که مردم با این سخنان رئیس جمهور خود را در موقعیت ضعف و ناتوانی ببینند. وقتی مردم صادقانه مشکلات را تجربه کنند، اعتماد و حمایت شکل می‌گیرد. اعتماد، سنگ بنای اقتدار پایدار است. علاوه بر این، جمله «روی طلا خوابیده‌ام ولی گرسنه‌ایم» شاید ساده باشد، اما پیامی عمیق دارد. این جمله، دعوت به اصلاح و نقد ساختارهای ناکارآمد است، نه تضعیف کشور. این همان نکته‌ای است که در نقد‌های کیهان مغفول مانده است. اقتدار واقعی زمانی شکل می‌گیرد که مردم مسئولان را هم به حقیقت مواجه شوند. رسانه‌ها در این میان نقش اساسی دارند. وقتی مسئولان مشکلات واقعی را ببین می‌کنند و رسانه‌ها تحلیل دقیق ارائه می‌دهند، اعتماد عمومی شکل می‌گیرد و اقتدار کشور واقعی می‌شود.

صداقت پزشکیان

یک فعال سیاسی و نماینده پیشین رشت در مجلس درباره این موضوع اظهار داشت: مسئولین ما عادت کرده بودند که واقعیت‌ها را به جامعه نگویند. آقای پزشکيان این روند را در پیش گرفته است که واقعیت‌ها را به جامعه بگوید. اینکه آقای پزشکيان از جامعه و مردم کمک بخواهد هیچ ایرادی ندارد. غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی، گفت: اینکه روزنامه کیهان مردم ایران را با افغانستان یا حتی پاکستان مقایسه کند این خودش یک خود تحقیری است و شاید عدم شناخت این سرزمین و منابع سرشارش باشد. وی درباره مقصرین شرایط فعلی گفت: سوال اصلی که پیش می‌آید این است که این سرزمینی که این همه ثروت دارد چرا باید به این نقطه برسد؟ پاسخ این سوال روشن است مقصر این شرایط تندروها هستند که امروز توقع دارند هیچکس درباره این مشکلات سخن نگوید یا مردم بگویند که باید روی همه چیز یک سروش بذاریم. نماینده سابق رشت اظهار کرد: اگر مردم واقعیت‌ها را بداندند با حاکمیت و نظام هماهنگ خواهند بود. این اصلی است که باید رعایت شود و آقای پزشکيان هم بهترین روش را راه را در پیش گرفته است و هیچ مشکلی هم ندارد. وی درباره تحریم‌های به وجود آمده عنوان کرد: آقای پزشکيان انسان بسیار صادقی است و صادقانه مطالب را به مردم می‌گوید. تحریم‌هایی که به وجود آمده عاملش همین تندروها هستند؛ قطعاً برای کشور در همه حوزه‌ها از جمله امنیت غذایی مشکل ایجاد می‌شود و در این موضوع هیچ مشکلی نیست. اما اهِکار این موضوع در شرایط فعلی فقط همراه کردن مردم با حاکمیت است. وی افزود: رئیس جمهور درست‌ترین کار انجام می‌دهد. دیگری نباید این روزنامه‌ها و این افراد را بزرگ کنیم؛ آقای پزشکيان کار درست را تشخیص می‌دهد و آن را انجام می‌دهد.

قیاس با کدام کشورها؟

همچنین یک فعال سیاسی اصولگرا توضیح داده است که روزنامه کیهان با این موضع نشان می‌دهد که حتی تابع رهبر انقلاب هم نیست. عباس امیری فر، گفت: «آقای شریعتمداری بالاخره وضعت معلوم است، همیشه برخلاف موج حرکت می‌کند. هراز چند گاهی طعنه و کنایه به پزشکيان می‌زند، در حالی که می‌گوید ما باید تابع رهبری باشیم. روزنامه کیهان و مدیر مسئول آن دوگانه برخورد می‌کند»، وی افزود: «رهبری مسعود پزشکيان را به عنوان رئیس جمهور برخاسته از رای مردم، تأیید کرده است. این رفتارها و طعنه‌ها موجب نقض حرف خودشان می‌شود که ما پیرو رهبری هستیم، زیرا برخلاف نظر رهبری عمل می‌کنند که فردموندن باید دولت را یاری کرده». امیری فر ادامه داد: «نمی‌دانم آقای شریعتمداری چه تفرقی دارد، از طرفی می‌گوید رهبری را باید حمایت کنیم از طرف دیگر فرمایشات رهبری را نقض می‌کنند». این فعال سیاسی اصولگرا درباره مقایسه ایران با کشورهای کوچک و جنگ زده اظهار داشت: «اینکه روزنامه کیهان ایران را با پاکستان و افغانستان مقایسه می‌کند یک خود تحقیری است. ایران با این کشورها قابل قیاس نیست ایران منابع بسیاری دارد تاریخچه غنی دارد. این هم یکی از اوضاع و احوالی ست که آقای شریعتمداری دارد».

غلامرضا انصاری در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

چهره دموکراسی نباید

آسیب ببیند



جریان اصلاحات از درون دچار بحران شده است

نباید اجازه داد اختلافات خارجی به اعتماد داخلی آسیب بزند

اقدام اخیر مجلس پیام ضعف به خارج ارسال می‌کند



عملی گذاشته می‌شود می‌تواند پیام اشتباه به طرف مقابل ارسال کند که ما اقتدار رسمی و هماهنگ برای حفاظت از منافع‌مان نداریم. اظهارات یک وزیر خارجه خارجی درباره خطوط قرمز یا روایت‌های تاریخی مذاکرات مثل اظهارات لاوروف درباره مکانیسم ماشه اگر بدون برخورد رسمی پاسخ داده شود ممکن است تعبیر شود که آن مداخله بی‌هزینه است یا تهران تمایلی به تبدیل آن به بحران دیپلماتیک ندارد. این وضعیت می‌تواند به تکرار مداخلات مشابه یا شرط‌گذاری‌های بیشتر منجر شود». در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

آرمان ملی- احسان انصاری: همه‌ها علیه حسن روحانی و ظرفیت به مجلس کشیده شد و برخی نمایندگان بر علیه رئیس جمهور پیشین و وزیر اسبق امور خارجه شعار دادند. این در حالی است که قالیباف از تریبون ریاست مجلس نیز با این افراد همراهی کرد. «آرمان ملی» برای دلایل این همه‌ها و پیامدهای آن با دکتر غلامرضا انصاری سفير سابق ایران در ترکمنستان و عضو سابق شورای شهر گفت‌وگو کرده است. انصاری معتقد است: «ظرفیت عملاً به ادعای دروغ لاوروف پاسخ داده است. اما تبدیل این پاسخ به موضوعی در صحن علنی که به جای پیگیری دیپلماتیک راه حل

◀ در روزهای اخیر همه علیه روحانی و ظرفیت افزایش پیدا کرده به شکلی که قالیباف نیز از تریبون ریاست مجلس به این فضا دامن زد. دیدگاه شما در این زمینه چیست؟

مجلس و به ویژه رئیس مجلس از نهاد‌های مشخص کننده گفتمان رسمی سیاست خارجی نیستند اما نقش نمادین و راهبردی در محافظت از منافع ملی دارند. قرار دادن نقد پاسخ ظرفیت در دستور کار به جای اقدام‌های دیپلماتیک قاطع مثل احضار سفير یا اعلام اعتراض رسمی به نحوی پیامی فرستاد که گویا منافع بین‌المللی و امنیتی در اولویت سیاسی قرار نگرفته است. بدون تردید این رویکرد می‌تواند موجب کاهش توان چانه‌زنی دیپلمات‌ها شده و طرف خارجی را برای مداخلات بیشتر تشویق کند. نکته دیگر اینکه وقتی انتقادها در قالب نزاع‌های رسانه‌ای و پارلمانی وارد می‌شود و از پاسخ دیپلماتیک معمول مانند اعتراض کتبی، احضار سفير، یادداشت رسمی وزارت خارجه عبور می‌شود، توانایی و جایگاه دیپلمات‌ها در مذاکره و تضمین منافع کشور تضعیف می‌شود. ظرفیت عملاً به ادعای دروغ لاوروف پاسخ داده است. اما تبدیل این پاسخ به موضوعی در صحن علنی که به جای پیگیری دیپلماتیک اتفاق افتاده، می‌تواند پیام اشتباه به طرف مقابل ارسال کند که ما اقتدار رسمی و هماهنگ برای حفاظت از منافع‌مان نداریم. اظهارات یک وزیر خارجه خارجی درباره خطوط قرمز یا روایت‌های تاریخی مذاکرات مثل اظهارات لاوروف درباره مکانیسم ماشه اگر بدون برخورد رسمی پاسخ داده شود ممکن است تعبیر شود که آن مداخله بی‌هزینه است یا تهران تمایلی به تبدیل آن به موضوعی دیپلماتیک ندارد. این وضعیت می‌تواند به تکرار مداخلات مشابه یا شرط گذاری‌های بیشتر منجر شود.

◀ این وضعیت در فضای داخلی چه تأثیری خواهد داشت؟

این وضعیت به خوبی نشان می‌دهد که دور شدن بحث‌ها از مسئولیت پذیری ملی و تقویت شکاف سیاسی و همچنین رسالت مجلس در قانون‌گذاری و نظارت است. اما تبدیل اختلافات خارجی به ابزار تقابل داخلی اعتماد عمومی به نهادهای سیاست خارجی را کاهش می‌دهد و به قطب بندی بیشتر میان جناح‌ها دامن می‌زند. اقدام مناسب در چنین مواردی نیازمند هماهنگی بین قوه مقننه و مجریه و دیپلمات حرفه‌ای است و نه تبدیل آن به نمایش سیاسی. خطرات ادامه رویکرد فعلی نیز کاهش اعتبار دیپلماسی حرفه‌ای و افزایش مخاطره هزینه‌سازی برای منافع ملی است. از سوی دیگر ارسال سیگنال‌های ضعف یا تردید به بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای است که می‌تواند از آن برای فشار یا شرط‌گذاری استفاده کنند. همچنین این وضعیت تشدید شکاف‌های داخلی و تبدیل پرونده‌های حساس خارجی به ابزار رقابت جناحی را به همراه خواهد داشت. در چنین شرایطی اظهارات قالیباف که مواضع روحانی و ظرفیت را مضرب خواند، یک واکنش سیاسی قابل فهم در چارچوب منافع جناحی است. اما تبدیل واکنش به دستور کار پارلمانی به جای پیگیری دیپلماتیک رسمی و مستند، هم به لحاظ حقوقی و هم به لحاظ راهبردی

◀ اظهارات قالیباف درباره مواضع روحانی و ظرفیت، واکنش سیاسی در چارچوب منافع جناحی است، اما تبدیل واکنش به دستور کار پارلمانی به جای پیگیری دیپلماتیک رسمی و مستند خطای بزرگی محسوب می‌شود

خطای بزرگی محسوب می‌شود. دیپلماسی یک هنر و علم است و باید اجازه داد دستگاه دیپلماسی با کارشناسی و اقتدار و با استفاده از سربایه‌های انسانی پرورش یافته راه خود را در شرایط پیچیده و حساس کنونی در جهت حفظ منافع ملی با مذاکره و مرادو‌های تخصصی دنبال نماید. روند در پیش گرفته شده خاطره تلخ تاریخی را به دنبال خواهد داشت.

◀ تندروها چه نقشی در تحولات آینده ایران خواهند داشت؟

خراب کردن دموکراسی و از بین بردن فضای مدنی به معنای این است مردم به مرور زمان به دلیل فقدان راه حل مدنی راه حل‌ها، استراتژی‌ها و تاکتیک‌های دیگری را در دستور کار قرار خواهند داد. کسانی که نهاد انتخابات و فضای مدنی را تضعیف کرده و باعث شده‌اند افرادی وارد مجلس شوند که نماینده مطالبات مردم نیستند این نکته توجه ندارند که در جهان امروز صندوق رأی تنها یک مسیر برای تثبیت یک گروه یا حزب نیست و بلکه صندوق رأی راهی برای نزدیک کردن ایده‌ها، اشتراکات و مکانیسم‌های جمعی یک ملت است. دموکراسی و فضای مدنی راهی است که به مردم اطمینان می‌دهد به رغم تضادها و اختلاف سلیقه‌هایی که وجود دارد با یک رویکرد مبتنی بر خرد جمعی می‌توان برای سرنوشت خود تصمیم‌گیری کرد. به همین دلیل بالاتر کردن دموکراسی به معنای از بین بردن راه حل‌های مدنی و دموکراتیک برای تعیین سرنوشت مردم خواهد بود. یک‌دست شدن قدرت و به قدرت رسیدن نیروهای رادیکال و تندرو شرایطی را برای آینده

◀ با توجه به تجربه سال‌های اخیر اگر اصلاح طلبان بخواهند بار دیگر در صحنه سیاسی ایران حضور فعال داشته و نقش موثرتری ایفا کنند، نیاز به بازتعریفی عمیق از گفتمان و اهداف دارند

نیاز به بازتعریفی عمیق از گفتمان و اهداف دارند. در چنین شرایطی اظهارات قالیباف که مواضع روحانی و ظرفیت را مضرب خواند، یک واکنش سیاسی قابل فهم در چارچوب منافع جناحی است. اما تبدیل واکنش به دستور کار پارلمانی به جای پیگیری دیپلماتیک رسمی و مستند، هم به لحاظ حقوقی و هم به لحاظ راهبردی

احمد دستمالچیان:

موضوع اصلی دیدار لاریجانی باوزیر کشور عمان مسأله آب صادراتی ایران بود

وی اضافه کرد: سطح روابط با سایر کشورهای خلیج فارس با توجه به مسائلی که وجود دارد، روز به روز افزایش پیدا می‌کند و پیشرفت‌های زیادی صورت گرفته است، اما نیاز است که دو طرف در یک تفاهم همه جانبه بتوانند نسبت به همکاری‌ها دسته جمعی سیاسی و امنیتی همکاری کنند و این موضوع به حالت ثبات برسد. این تحلیل‌گر مسائل منطقه با تأکید بر اینکه کشورهای خلیج فارس سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در داخل کشورشان انجام داده‌اند به همین جهت نیاز این کشورها به امنیت در اولویت است، بیان کرد: امنیت تنها زمانی حاصل می‌شود که تفاهم و همکاری کامل و جامعی بین همه کشورهای منطقه برقرار شود. این ضرورت به طور کامل توسط طرفین احساس می‌شود و کارهای خوبی برای گسترش روابط انجام می‌گیرد، برای مثال ما روابط خوبی با ترکیه و پاکستان داریم.

المللی مطرح شود. به نظر بنده هم مسئله اصلی همان روابط اقتصادی است که مطرح شده بود. آن مسئله با صادراتی ایران اندکی مشکل امنیتی پیدا کرده بود وزیر کشور عمان به ایران آمد تا این مشکل را حل کند. سفير سابق ایران در لبنان با بیان اینکه سیاست خارجی ایران از ابتدا اولویت خود را بر بهترین رابطه با همسایگان قرار داده است، اظهار کرد: این سیاست همسایگی در طول سالیان این روابط ادامه دارد. آقای پزشکيان هم که چندین بار با وجود فراز و نشیب‌ها در ایران تغییر نکرده است، ما بیشترین روابط را با همسایگان داریم. در دولت شهید رئیسی هم این سیاست همسایگی پیشرفت خوبی داشت و با امارات و عربستان که قطع ارتباط بودیم، روابط احیا شد و رفت و آمد‌ها صورت گرفت، همچنین نفز سوم عربستان هم به ایران سفر کرد. آقای عراقچی هم به عربستان سفر داشته و چندین ملاقات دوجانبه و خوبی هم انجام شده است.

وزیر امور خارجه می‌آمد. اینکه در پایان این دیدار تأکید بر روابط اقتصادی اعلام شده بود نیز مربوط به مسأله آب است. این دیپلمات با توجه به کشورمان در رابطه با احتمال استمرار روابط صادراتی ایران بود که اخیراً پیش بازرگشت تحریم‌های سازمان ملل عنوان کرد: از قدیم ایران و عمان روابط خوبی نسبت به سایر کشورهای حوزه خلیج فارس داشتند و که این باعث شد روابط مقداری متشنج شود وزیر کشور عمان به ایران آمد تا این موضوع مقداری تلطیف شود. بیشتر بر این موضوع متمرکز بود و فکر نمی‌کنم که بعد منطقه‌ای داشته باشد. احمد دستمالچیان در خصوص راینی‌ها ایران درباره مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی با عمان تصریح کرد: باب بسته شده است و تصور نمی‌کنم که دیگر عمان به عنوان میانجی عمل کند. اگر هم قرار بر این باشد، وزیر کشور به ایران سفر نمی‌کند، در این صورت

سفير سابق ایران در لبنان و اردن در رابطه با ارزیابی خود از سفر وزیر کشور عمان به ایران و دیدار با علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی اظهار داشت: بیشتر مربوط به حواسیه مسأله آب صادراتی ایران بود که اخیراً پیش آمده است. در خصوص آب ایران در عمان مشکلی پیش آمده بود و شاید کرده بودند که دو نفر بر اساس مصرف آب ایران کشته شده‌اند که این باعث شد روابط مقداری متشنج شود وزیر کشور عمان به ایران آمد تا این موضوع مقداری تلطیف شود. بیشتر بر این موضوع متمرکز بود و فکر نمی‌کنم که بعد منطقه‌ای داشته باشد. احمد دستمالچیان در خصوص راینی‌ها ایران درباره مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی با عمان تصریح کرد: باب بسته شده است و تصور نمی‌کنم که دیگر عمان به عنوان میانجی عمل کند. اگر هم قرار بر این باشد، وزیر کشور به ایران سفر نمی‌کند، در این صورت

یادداشت

راهبرد آمریکایی-اسرائیلی



محسن پاک‌آمین

تحلیلگر مسائل بین‌الملل

چند روز قبل کنست (پارلمان رژیم صهیونیستی) به پیش‌نویس قانونی رأی مثبت داد که هدف آن «اعمال حاکمیت اسرائیل بر کرانه باختری از طریق اشغال این منطقه» بود. انتشار این خبر، بلافاصله بازناب گسترده جهانی یافت مخالفت سریع جامعه بین‌المللی به ویژه از سوی سازمان ملل متحد، کشورهای اروپایی، دولت‌های عربی و حتی آمریکا، موجب شد نتانیا‌ها اعلام کند که این اقدام در شرایط فعلی در اولویت نیست و صرفاً یک تحرک سیاسی بوده که با هدف مدیریت مخالفت‌های داخلی صورت گرفته است. در ارتباط با این اقدام کنست، نکات زیر حائز توجه است. پس از اجلاس شرم‌الشیخ و آغاز مراحل اجرایی طرح صلح، جنبش مقاومت اسلامی حماس با هوشمندی توانست شرایط را مدیریت کند؛ به گونه‌ای که ضمن آزادی تعدادی از اسرا و آغاز کمک‌رسانی به مردم بی‌دفاع غزه، اسرائیل ناچار شد از شدت حملات خود بکاهد و عقب‌نشینی نظامی به مرزهای میان نوار غزه و سرزمین‌های اشغالی را شروع کند. این تحولات و اقدامات به منزله زیان و شکست آشکار برای رژیمی بود که مدعی نابودی حماس و کوچاندن اهالی غزه شده بود. لذا پیش‌بینی می‌شد رژیم صهیونیستی، برای سرویوش گذاشتن بر این ناکامی، افکار عمومی جهان را منحرف سازد و با مطرح موضوعی تازه، ناکارآمدی خود در مواجهه با مقاومت فلسطین را پنهان کند. تصویب دولاچه مربوط به الحاق کرانه باختری و مناطق شرقی قدس اشغالی به رژیم صهیونیستی در کنست را باید در این مسیر مورد توجه قرار داد. با این حال نمی‌توان تصور کرد که مخالفت کنونی کشورهای غربی بخصوص آمریکا با طرح الحاق کرانه باختری به اسرائیل به معنای خاتمه این پرونده است. در واقع باید این اقدام را آغاز مرحله‌ای جدید برای اشغال بخش‌های دیگری از سرزمین فلسطین تلقی کرد؛ حرکتی که به رغم مواضع اعلامی آمریکا و عقب‌نشینی ظاهری نتانیا‌ها، ممکن است درآینده دنبال شود. درحال حاضر مخالف‌خوانی ظاهری ترامپ با طرح الحاق، دو دلیل دارد: نخست آنکه وی مایل است طرح صلح خود را به نتیجه برساند؛ دوم آنکه در برابر فشار افکار عمومی و مواضع منفی نهادهای بین‌المللی، کشورهای اروپایی و اسلامی، نمی‌خواهد آمریکا بیش از پیش در جامعه جهانی منزوی شود. احتمال بسیار می‌رود که پس از عبور از مراحل کنونی طرح صلح، موضوع الحاق مجدد مطرح گردد و حتی با همراهی با سکوت آمریکا همراه شود. اندیشه الحاق کامل کرانه باختری به عنوان یک راهبرد مستمر آمریکایی-اسرائیلی، از حمایت سیاسی و امنیتی واشنگتن برخوردار است. نباید فراموش کرد که هدف اصلی ترامپ در دور اول ریاست جمهوری در طرح موسوم به «معامله بزرگ قرن»، الحاق کرانه باختری به سایر مناطق اشغالی تحت کنترل اسرائیل و بخشی از بیت‌المقدس شرقی به اسرائیل واگذار و شهر ابدوس جایگزین بیت‌المقدس به عنوان پایتخت فلسطین می‌شد. در آن زمان، محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین و بسیاری از جنبش‌های فلسطینی همچون حماس و جهاد اسلامی و کشورهای اسلامی با این طرح به شدت مخالفت کردند و ترامپ تهدید کرد که در صورت مخالفت فلسطینی‌ها، مانع رسیدن برخی کمک‌ها به این سرزمین می‌شود. آمریکا برای طرح صلح معامله بزرگ قرن، سفارت خود را به بیت‌المقدس منتقل کرد و از متحدین خود خواست، همین اقدام را انجام دهند. امروز نیز اگرچه ترامپ به منظور پیشبرد طرح صلح مورد نظر خود، از توقف طرح الحاق سخن می‌گوید، اما چنانچه این طرح نتواند منافع رژیم صهیونیستی را تأمین کند، احتمال بازرگشت به سیاست توسعه‌طلبی در کرانه باختری وجود دارد. از سوی دیگر الحاق کرانه باختری به اسرائیل با طرح موسوم به «راه حل دولتی» در تضاد است و در اجرای طرح الحاق، فلسطینی‌ها باید از حق بازرگشت به سرزمین خود که بر طبق قطعنامه ۱۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ به رسمیت شناخته شده، صرف‌نظر کنند. مصوبه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸، تشکیل دو دولت عربی (فلسطین) و یهودی (اسرائیل) را مقرر کرده بود و اقدام اخیر رژیم صهیونیستی نه تنها مغایر با این مصوبه بین‌المللی است، بلکه با دیدگاه‌ها و موازات اکثر کشورهای جهان که خواهان شناسایی رسمی کشور فلسطین هستند، نیز تضاد است. بر این اساس، جامعه جهانی و به ویژه جمهوری اسلامی ایران باید با قوت تحولات را رصد و برای جلوگیری از اجرای طرح الحاق راینی‌ها اقدام کند. موضوع الحاق کرانه باختری به اسرائیل امری ساده و گذرا نیست و این روند در صورت اجرا، قطعاً موجب افزایش وسعت اراضی اشغالی و تشدید تنش‌ها و مقاومت مردم فلسطین خواهد شد و در نتیجه می‌تواند غرب آسیا را وارد یک بحران جدید کند.